فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۳(پیاپی ۲۳))، ۱۳-۱
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

فصلنامه علمی- پژوهشی
اقتصاد و مدیریت شهری

ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران

علیرضا جاوید دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
مصطفی بهزادفر* استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶

چکیده: ادغام ارزیابی با فرایند برنامه‌ریزی، یکی از ویژگی‌های متمایز الگوهای نوین شهرسازی است. در پاسخ به ضرورت تفکر جامع و یکپارچه، برای تشخیص و تحلیل ساخت‌مایه پیچیده و متغیر مسائل شهری، ارزیابی به مبحثی پایه در فرایند برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است که هدف اصلی آن، تبیین میزان ارزش برنامه‌های شهر از لحاظ تأثیرگذاری بر توسعه شهری، شکل‌دهی برنامه و اجرای مداخلات اجتماعی و بهبود مدیریت است. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل‌توجه در رویکردهای نظری و روش‌های ارزیابی، در کشور ما تاکنون ارزیابی علمی از وضعیت برنامه‌های جامع توسعه شهری انجام نشده و همچنان پرداختن به الزامات محیطی بر مبنای شناخت مسئله و یافتن تکنیک‌های ویژه حل مسئله متناسب با آن، با مشکل مواجه است. هدف این تحقیق، ارائه مدل مفهومی و ارزیابی برنامه‌های جامع توسعه شهری تدوین‌شده برای شهر تهران و شناخت تدقیقی زمینه‌هایی است که شرایط ارزیابی برنامه‌های جامع شهرسازی را شکننده می‌سازد. از این رو در این پژوهش، منابع و متون نظری موجود بررسی گردید و برای تعریف چارچوب ارزیابی برنامه‌های بیان شده، رویکرد ارزیابی، معیارها و زیرمعیارها، شناسایی شدند. معیارها و زیرمعیارها از طریق روش تحلیلی- تطبیقی، با مطالعات کتابخانه‌ای و نظریات متخصصان، تعیین شدند و سپس برای انطباق با شرایط زمینه‌ای ایران از طریق مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران، بومی‌سازی و تدقیق گردید. در نهایت اهمیت و کاربست هر معیار و زیرمعیار با به‌کارگیری پرسشنامه توسط متولیان اصلی برنامه‌های جامع توسعه شهری در تهران ارزیابی شد. نتایج ارزیابی در این پژوهش مبتنی بر آن است که برنامه‌های جامع توسعه شهری تهیه شده برای شهر تهران، از ارزش منطقی کمی برخوردارند و پاسخ به مسئله پیچیدگی، اصلی‌ترین مسئله و مهم‌ترین معضل در ارزیابی می‌باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، ارزش منطقی، برنامه‌های جامع توسعه شهری، شهر تهران
طبقه‌بندی JEL: D04, J17, Q01, N95

* نویسنده مسئول: behzadfar@just.ac.ir

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

۱- مقدمه

تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷، نقطه شروع سیر تحولات برنامه‌ریزی شهری و متعاقب آن، درک ضرورت ارزیابی برنامه توسعه در ایران است. از این زمان، اندیشه برنامه‌ریزی جامع در ایران، عملی شد و نظریه برنامه‌ریزی جامع به عنوان دیدگاهی رسمی و قانونی به‌کار گرفته شد. به دنبال تهیه و اجرای اولین طرح‌های جامع و تفصیلی در ایران از همان سال‌های اولیه، کم‌وبیش برخی مسائل و نارسایی‌های آنها برای دست‌اندرکاران آشکار شد و انتقادهایی را در پی داشت که تا امروز کماکان ادامه دارد و منابعی را به خود اختصاص داده است. سابقه دخالت برنامه‌ریزی‌شده دولت و شهرداری در کالبد شهر تهران، با تدوین سه برنامه شهرسازی جامع برای مدیریت تحولات شهر همراه بوده است. تهیه نخستین برنامه جامع تهران که با پروژه‌های اصل چهار ترومن -کمک آمریکا به کشورهای کمتر توسعه‌یافته برای ممانعت از نفوذ کمونیسم- آغاز شد، به تحولات ایران در بین دو جنگ جهانی اول و دوم در دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. شکل‌گیری، تنظیم و اجرای برنامه جامع تهران (مصوب سال ۱۳۴۹)، با دوره تکوین کلان‌شهر پایتخت (۱۳۵۷-۱۳۴۰) و پراکنده‌رویی شهرها و شهرک‌ها در اطراف آن هم‌زمان است. پس از آن در دوره بعد از انقلاب، برنامه ساماندهی (مصوب سال ۱۳۷۱) و برنامه مجموعه شهری تهران (مصوب ۱۳۸۱) مطرح شدند که با اتمام جنگ تحمیلی، حجم عظیم جمعیت، بافت‌های ناکارآمد شهری و کمبودهای خدماتی مصادف بود. در اواسط دهه ۱۳۸۰، انتقادات نظری و محتوایی که به برنامه‌های جامع شهری وارد شد، مبنای توجه به تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی و به‌کارگیری آن در تهیه برنامه (طرح) ساختاری- راهبردی تهران گردید. سند برنامه جامع جدید تهران در سال ۱۳۸۶ مصوب گردید و الگوی جدیدی از برنامه‌ریزی در کشور با موضع ارزش‌پذیری را مطرح کرد. علی‌رغم گذشت بیش از یک دهه از اجرای برنامه اخیر به نظر می‌رسد همچنان الزامات محیطی و کیفیت توسعه شهر از چارچوب مناسبی برخوردار نیست (هادی زنوز، ۱۳۹۵).

برخی از محققان، علل عدم‌تحقق برنامه‌های جامع توسعه شهری را بررسی کرده‌اند و برخی تحقیقات نیز سنجش عملکرد مدیریت شهری طی سال‌های گذشته را در دستور کار قرار داده‌اند. این مطالعات که به صورت پراکنده و موضوعی انجام شده‌اند، طی یک سازوکار جامع و علمی ارزیابی نشده و منتج به سیاست‌گذاری شهری برای جهت دادن به برنامه‌های آتی شهر نگردیده‌اند. از نیمه دوم قرن بیستم، تمرکز نظریات برنامه‌ریزی شهری، به تدریج به سمت فرایند برنامه‌ریزی جهت یافته است. در شرایطی که سیر تکوین برنامه‌ریزی شهری، مبین تحولات عمده نظری در تغییر رویکرد از برنامه به فرایند است، ارزیابی به بخش مهمی از سند برنامه‌ریزی تبدیل گردیده که کلیه مراحل از پیش، حین و پس از اجرا را دربر می‌گیرد. برای ارزیابی، برنامه‌ریزی می‌شود و برنامه به‌صورت مستمر ارزیابی می‌گردد تا واجد ارزش منطقی باشد؛ به عبارتی، مبنای تصمیمات آتی قرار گیرند و نیز در فرایندهای تصمیم‌گیری درست حاصل شده باشند. با توجه به این‌که تاکنون برنامه‌های جامع توسعه شهری ایران و به تبع آن، برنامه‌های سه‌گانه تهران با چنین رویکردی، ارزیابی نشده‌اند، این پژوهش بر آن است تا خلاء مطالعاتی موجود را رفع و با تعریف چارچوب ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های توسعه شهری، راهگشای محققان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی باشد. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

- معیارها و زیرمعیارهای مناسب برای ارزیابی برنامه‌های سه‌گانه جامع توسعه شهری تهران کدامند؟
- ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران براساس معیارها و زیرمعیارها چگونه می‌باشد؟

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

۲- پیشینه تحقیق

در مطالعات مربوط به برنامه‌ریزی و ارزیابی، پژوهش‌های ارزشمندی درباره روابط بین مدل‌های برنامه‌ریزی و روش‌های ارزیابی آن‌ها وجود دارد (Alexander & Faludi, 1989; Baer, 1997; Khakee, 1998; Faludi & Voogd, 1985). پژوهش‌های محدود انجام شده در این خصوص، اهمیت تحلیل روش‌های ارزیابی در شرایط واقعی را تأیید می‌کنند (Alexander, 1989; Khakee, 1998). برخی از محققان نیز فقدان رویکرد واحد در ارزیابی را که مناسب همه شرایط باشد، از معضلات اصلی ارزیابی می‌دانند (Rossi et al., 1999). علی‌رغم محدودیت‌های مطالعاتی، بررسی سوابق تحقیق نشان می‌دهد که رویکردهای نظری و روش‌های ارزیابی تاکنون پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند. مرور پیشینه تحقیق، این دیدگاه را تأیید می‌کند که هر نوع شرایط ارزیابی، واجد برخی ویژگی‌های خاصی است که روش ارزیابی را تعیین می‌کند. در ایران، روش‌های ارزیابی و ارزش‌گذاری برنامه‌های شهری به ارزیابی عملکرد پروژه محدود شده و عملاً به ارزیابی عمرانی برنامه‌ها می‌پردازند؛ حال آن‌که توجه ویژه به روش‌های ارزیابی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های آتی در سطحی فراتر الزامی است. برای بررسی برنامه‌های توسعه شهری، برخی مطالعات به‌صورت پراکنده و موضوعی انجام شده‌اند و مبتنی بر ارزیابی جامع و علمی نبوده‌اند. براساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون پژوهشی همه‌جانبه که به‌صورت قاعده‌مند به ارزیابی رویه‌ای و محتوایی برنامه‌های جامع توسعه شهری بپردازد انجام نشده است. در این راستا در ادامه، به برخی از پژوهش‌ها در این زمینه اشاره شده است:

الف) پژوهش‌های خارجی

ساکی[1] و همکارانش (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی پایداری توسعه شهری مبتنی بر سناریو، رویکرد مدل‌سازی یکپارچه برای سازش میان شاخص شهرنشینی مطلوب و الگوی چشم‌انداز شهری» بیان داشتند که در حالی‌که گسترش شهرنشینی مبتنی بر روند تاریخی، منابع محیط‌زیستی را بیشتر استفاده کرده و به آن لطمه نیز می‌زند ولی این گسترش و رشد شهرنشینی، باعث ایجاد الگوی قابل‌کنترل چشم‌انداز شهری شده و برنامه‌ریزان شهری با ارزیابی این الگوی شهری توانسته‌اند با درکی از تأثیرات تجمعی روند فرایند شهری در شرایط مختلف محیطی، پویایی را برای مناطق شهری به ارمغان آورند.

اسپیلکووا و واگنر[2] (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «از دست دادن زمین اختصاص داده شده به باغبانی به‌واسطه برنامه‌ریزی شهری و منافع عمومی و خصوصی در پراگ» بیان داشتند که ارزیابی طرح برنامه‌ریزی شهری پراگ در سه دهه اخیر نشان داد که بهره‌برداری از زمین‌های خالی و باغ‌ها در راستای گسترش شهرنشینی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل یا احداث تأسیسات تجاری، به باغداری این شهر لطمه وارد کرده و حتی موجبات آشفتگی کالبدی و اقتصادی را نیز فراهم آورده است.

لیچفیلد[3] و همکارانش (۲۰۱۶) در کتابی با عنوان «ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای» بیان کردند که ضروری است روش‌های ارزیابی طرح‌های شهری متناسب با نیازی که به داوری ارزشی دارند با شرایط جدید منطبق شوند. در واقع روش‌های ارزیابی در فرایند اصلاح خود، از تحلیل هزینه و فایده خالص اقتصادی به تحلیل منافع گروه‌های متأثر از اقدامات برنامه‌ریزی رسیده‌اند.

ب) پژوهش‌های داخلی

غمامی (۱۳۷۱) در مقاله «بررسی و نقد اجمالی طرح‌های جامع شهری» در بیان علل نارسایی طرح‌های جامع شهری به سه عرصه ناهماهنگی طرح با طبیعت،

1- Sakieh

2- Spilková and Vágner

3- Lichfield

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

ماهیت پویای شهر و جامعه و نارسایی در نظام مدیریت امور شهری اشاره کرده است.

فریور صدری (۱۳۹۳) در کتاب «تحولات طرح‌ریزی شهری ایران در دوران معاصر»، نتیجه طرح‌ها را اصطکاک نیروها و در نهایت، حذف طرح و برنامه‌های مزبور از فضای علمی توسعه کشور می‌داند و دلیل را در ضعف و نارسایی نظام هدایت و کنترل توسعه شهری جست‌وجو می‌کند.

هادی زنوز (۱۳۹۵) در مقاله «ارزیابی تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تهران» علت تحقق پایین اجرای طرح‌های شهری را به کیفیت پایین مدیریت و حکمرانی شهری نسبت می‌دهد که در ابهام در قلمرو حقوقی مقامات محلی، نارسایی موجود در نظام مالی شهرداری‌ها و فقدان اثربخشی، پاسخ‌گویی و مشارکت در مدیریت شهری، متجلی می‌شود.

منصوری (۱۳۹۵) در کتاب «نقد و بررسی طرح جامع تهران، ۸۶»، به انتشار گزارش‌های نقادانه مرتبط با برنامه جامع پرداخته است. علاوه‌بر انتقاد به رویکرد طرح‌های جامع، پیشنهادهایی در راستای تغییر رویکرد به سوی برنامه‌ریزی راهبردی در پژوهش‌های مختلف پس از دهه ۱۳۷۰ نیز مطرح شده است. در این کتاب به پژوهش‌های «شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری» در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، «درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی شهری» در سال ۱۳۷۶ و تحقیقاتی که توسط وزارت راه و شهرسازی با نام‌های «مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرح‌های شهری» در سال ۱۳۷۸، «تجدیدنظر در تعاریف، مفاهیم و محتوای طرح های توسعه شهری» و «برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران» که در سال ۱۳۸۵ منتشر شده، پرداخته شده است. در این راستا برخی اقدام‌های عملی نیز در برخی طرح‌ها در راستای رفع نواقص یاد شده بررسی شده است.

ماجدی (۱۳۹۵) در کتاب خود با عنوان «نظریه طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای» بر پایه دو اصل کارایی بیشتر در نظام شهرسازی کشور از یک‌سو و برابری یا عدالت اجتماعی از طرف دیگر، نظریه طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای را مطرح نموده و فرایند تهیه و اجرای طرح‌های ساختاری- راهبردی را در سه چرخه برای بازه‌های پنج‌ساله تبیین و محتوای اصلی چرخه‌های دوم و سوم مبتنی بر بازنگری طرح و ارزیابی را طی هشت مرحله تعیین کرده است. در فرایند تبیین شده پس از اجرا و اخذ بازخورد، طرح به نقطه آغازین خود برگشته و با توجه به شرایط جدید، دوباره مراحل را به‌صورت اسپیرال طی خواهد کرد.

۳- مبانی نظری

یکی از ویژگی‌های متمایز الگوهای تفکر جدید در آغاز نیمه دوم قرن بیستم، ادغام ارزیابی با فرایند برنامه‌ریزی است (Alexander, 2006). در واقع ارزیابی، فعالیتی هدف‌دار است که برای تأثیرگذاری بر سیاست توسعه، شکل‌دهی برنامه، اجرای مداخلات اجتماعی و بهبود مدیریت انجام می‌شود. برخی از محققان معتقدند که ارزیابی، وسیع‌ترین مفهوم علم سیاست و فعالیتی سیاسی است (Rossi et al., 2003). اصطلاح ارزیابی، اغلب برای تشریح پیشنهادها و بیان شایستگی آن‌ها به کار برده می‌شود. این اصطلاح به طور رسمی‌تر برای معرفی روند کلی تجزیه‌وتحلیل برنامه‌ها با پروژه‌های متعدد، یافتن مزایا و معایب نسبی آن‌ها و تنظیم یافته‌های حاصل از این تحلیل‌ها در چارچوب منطقی است. ارزیابی، امری است که در فواصل مختلف تصمیم‌گیری برای پیشبرد طرح و نتیجه‌گیری از مطالعات برنامه‌ریزی حادث می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی شهری، اساس ارزیابی، سنجش شایستگی راه‌حل‌های مختلف است (Lichfield et al., 2016). ارزیابی، روش و ابزاری برای شناخت اثرات و نتایج موجود یا احتمالی عملکردها، فعالیت‌ها و برنامه‌ها

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

می‌باشد (شریعت و منوری، ۱۳۷۵). ارزیابی، هرگونه فرایندی است که به اولویت‌های مورد نظر برنامه، نظم و نسق منطقی می‌بخشد و برنامه را با اهداف کلی و کوتاه‌مدت اولیه آن، مرتبط می‌سازد. در این راستا همگام با سیر تحول برنامه‌ریزی شهری، ارزیابی، از جایگاه مناسبی برخوردار شده است. همگام با برنامه‌ریزی شهری که از گذشته تاکنون تحولات عمده‌ای را در نظریه پشت سر گذاشته، رویکردهای ارزیابی طرح‌های شهری نیز توسعه یافته‌اند.

ارزیابی، از ارکان مهم تصمیم‌گیری می‌باشد؛ زیرا تصمیم‌گیری با قضاوت در مورد شقوق راه‌حل‌های مختلف، ارتباط مستقیم دارد و انتخاب نیز با قضاوت درباره ارزش‌های راه‌حل‌ها؛ یعنی ارزیابی، مرتبط است (Manaugh et al., 2015).

اولین مسئله‌ای که در تجزیه‌وتحلیل عملکرد ارزیابی برنامه‌ریزی مشخص می‌شود، خلاء بین تئوری (مبانی نظری) و عمل است. در شرایط بحرانی حاضر که در برخی از کشورها موضوع ارزیابی، مغفول است، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این خلاء، تسلط روش‌های کمّی در عمل است؛ حال آنکه در زمینه تحقیقاتی، ارزیابی رویکردهای کیفی، ارجح هستند. اندیشمندان برای رفع شکاف موجود، راهبردهای مختلفی مطرح کرده‌اند. اگرچه ارزیابی در تمام مراحل برنامه‌ریزی به‌صورت مستمر و مستتر وجود دارد اما در متون نظری مرتبط، در یک تقسیم‌بندی با توجه به تقدم و توالی انجام آن، رویکردهای ارزیابی در بعد زمان به سه نوع مشخص ارزیابی پیش از اجرا، ارزیابی حین اجرا و ارزیابی پس از اجرا، تقسیم شده‌اند که از لحاظ هدف نیز با هم متفاوت هستند. در دهه‌های اخیر، روش‌های ارزیابی فرایندگرا، معرفی شدند و بر این اساس، ارزیابی، کل فرایند طرح‌ریزی؛ از مرحله سیاست‌گذاری تا تهیه طرح و شناسایی طرح‌های اجرایی و اجرای آنها را شامل می‌شود (Oliveira & Pinho, 2010). در خصوص سیر تحول تئوری ارزیابی، چشم‌انداز عمومی و توافقی وجود ندارد ولی بسیاری از نویسندگان هم‌نظر هستند که در این تحول، تغییر رویکردی از رویکرد انطباق‌گرا به رویکرد عملکردگرا صورت گرفته است. برنامه‌ریزی به میزان قابل‌توجهی وابسته به ویژگی‌های زمینه‌ای است که برنامه‌ریزی در آن، اتفاق می‌افتد (Othengrafen, 2016). با تحولات عمده نظری در تکوین برنامه‌ریزی شهری و تغییر رویکرد از برنامه به فرایند و تبیین روش‌های ارزیابی فرایندمحور، اتخاذ رویکرد سودمندگرا از لحاظ زمینه ارزیابی و تمرکز بر ماهیت برنامه و فرایند برنامه‌ریزی و پرداختن به مباحث کیفی و کمی، از جامعیت بیشتری برخوردار است. جدول ۱، انواع رویکردهای شناسایی شده در ارزیابی برنامه را در تناسب با زمینه ارزیابی و مبنای آن ارائه کرده است.

جدول ۱- انواع رویکردها در خصوص ارزیابی برنامه‌ها

عنوان	زمینه ارزیابی	مبنای ارزیابی
سودمندگرا	ماهیت برنامه و فرایند انجام آن	آیا با توجه به چالش‌های ارزیابی، برنامه‌ها از ارزش منطقی برخوردارند؟ آیا در فرایندهای تصمیم‌گیری درست حاصل شده‌اند یا خیر؟ آیا مبنای تصمیمات آتی قرار گرفته‌اند یا نه؟
عملکردگرا	فرایند انجام برنامه	آیا برنامه مبنای تصمیم بوده و در فرایند تصمیم‌گیری مشاوره شده است؟ نحوه هماهنگی برنامه با سایر برنامه‌ها و طرح‌های موجود چگونه است؟
انطباق‌گرا	ماهیت برنامه و نتیجه انجام آن	آیا نتایج حاصل از اجرای برنامه با محتوای آن مطابقت دارند؟ آیا اجرای برنامه با ابزار مناسبی صورت گرفته است؟

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

بررسی نظریات اندیشمندان مختلف، نشان می‌دهد که ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری با چهار مشکل اصلی مبنی بر هنجارهای وظیفه‌گرایی و رفتارگرایی، ارزش‌های پولی و غیرپولی، پاسخ به مسئله پیچیدگی و فرایند ارزیابی مواجه است.

در خصوص هنجارهای وظیفه‌گرایی و رفتارگرایی باید گفت به‌طور معمول برای ارزیابی، اصول و پایه هنجاری در سطوح فراشناختی در نظر گرفته می‌شود. تمامی روش‌های ارزیابی رسمی مورد استفاده در برنامه‌ریزی بر پایه نتیجه‌گرایی استوارند. به عبارت دیگر، آن‌ها اقدامات را بر اساس نتایج‌شان، ارزش‌گذاری می‌کنند و تنها تفاوت بین آن‌ها چگونگی بیان و اندازه‌گیری آن نتایج یا اثرات و نتیجه‌های مورد انتظار پروژه است (Voogd, 2017). بر اساس این اصل در حالی که نتیجه‌گرایان رفتاری[1]، به اقداماتی که نتیجه مطلوبی دارند بها می‌دهند، وظیفه‌گرایان رفتاری[2]، اقدامات را براساس درست و غلط بودن آن‌ها قضاوت می‌کنند و اقداماتی را که به خودی خود مطلوب هستند باارزش می‌دانند. در برنامه‌ریزی، قضاوت در مورد سیاست‌ها و برنامه‌ها یا ارزیابی پروژه‌ها با استفاده از این استاندارد، کاملاً معمول است. هر قضاوتی که بر پایه قوانین باشد جزو اصول وظیفه‌گرایی قرار می‌گیرد (Alexander, 2006). توجه به هنجارهای فرهنگی و ارزش‌ها، انطباق برنامه توسعه با سایر برنامه‌ها و قوانین و ارجحیت منافع عمومی بر خصوصی؛ از جمله مباحثی است که ارزیابی آنها همواره تحت تأثیر این مشکل قرار دارد (Moroni, 2006).

در مورد معضل ارزش‌های پولی و غیرپولی، شایان ذکر است برخی از روش‌های ارزیابی، رویکردهای اقتصادی را برای تفسیر ارزش‌های غیرپولی به‌کار می‌گیرند یا آنها را به‌صورت غیرقابل درکی تبدیل به ارزش پولی می‌کنند؛ یافتن روش‌هایی برای لحاظ کردن ارزش‌های واقعی اما غیرملموس در فرایند ارزیابی، مزایای اجتماعی آتی و مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های عمومی، موضوعی اساسی در فرایندهای ارزیابی است. در یک فرایند ارزیابی مطلوب پروژه‌های شهری باید ارزش‌افزوده تأمین دسترسی برای معلولان (Voogd, 2017)، مزایای اجتماعی حاصل از کاهش خطرات زیست‌محیطی (Rinaldi et al., 2017)، آمیختن ارزش‌های انسجام اجتماعی و کیفیت زندگی (Ofek, 2017)، تخمین ارزش ذاتی دارایی‌های فرهنگی برای هویت محلی جامعه میزبان و عملی کردن مفهوم پایداری به منظور توسعه منطقه‌ای (Nijkamp et al., 2013) در کنار سایر ارزش‌های پولی و واجد رویکردهای اقتصادی، ارزیابی شود.

در ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری، معضل دیگر، پاسخ به مسئله پیچیدگی است. در واقع پیچیدگی، موضوعی است که قابل‌تقلیل یا ساده شدن نیست. عوامل متعددی در ایجاد پیچیدگی در ارزیابی نقش دارند. یکی از آن‌ها، پیچیدگی ذاتی موضوعات مورد ارزیابی و اجزای روند ارزیابی است که شامل: سیاست‌ها، برنامه‌ها و استراتژی‌های ارزیابی است که اهداف ارزیابی، زمینه، بازیگران و طرفین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه این موارد، پیچیده هستند؛ زیرا متشکل از عناصر، روابط و تعاملات چندگانه و متنوعی می‌باشند. مورد دوم شامل تمام اجزای تشکیل‌دهنده و مرتبط با روند ارزیابی مانند: نظریه‌ها، متدلوژی‌ها، بازیگران، مفاهیم، ابزارها و روش‌ها است. یکی دیگر از جنبه‌های پیچیدگی در ارزیابی، بین‌الذهنی بودن آن است. این مورد بخشی از پیچیدگی ذاتی به حساب می‌آید؛ یعنی موضوعات ارزیابی، ساخت‌های اجتماعی هستند که شامل بازیگران و منافع مختلفی می‌باشند که به ایجاد اظهارات کلی در مورد نیازها، اهداف و ارزش‌های آن، به صورتی دشوار می‌پردازد. همچنین بین‌الذهنی بودن، منشأ عمده‌ای از پیچیدگی‌های روند و روش‌های ارزیابی است، به این دلیل که قانونی بودن هدف، به صورت کاملاً یک‌طرفه،

1- Consequentialist Ethics
2- Deontic Ethics

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

یافته‌ها و نتایج به‌دست آمده را نادیده می‌گیرد (Alexander, 2006). جنبه سوم پیچیدگی که در برنامه‌ریزی و در ارزیابی وجود دارد، عدم‌قطعیت است. عدم‌قطعیت در برنامه‌ریزی، امری ذاتی است؛ زیرا هیچ‌کس از آینده خبر ندارد. نوعی ارزیابی که براساس برآورد نتایج محتمل و اقدامات از قبل تعیین‌شده در نظر گرفته می‌شود، با انواع مختلفی از عدم‌اطمینان، مواجه است. عدم‌قطعیت در تصمیم‌گیری، دانش ارزیاب را در خصوص آینده اقدامات و تأثیراتشان محدود می‌کند (Voogd, 2017). در دنیای معاصر، نوآوری‌های پرشتاب و پویای تکنولوژیک و ارتباط آن‌ها با تغییرات جمعیتی و فرهنگی، عدم‌قطعیت را افزایش می‌دهد. معضل مقابله با عدم‌قطعیت و پیچیدگی که به عنوان مشکل در تصمیم‌گیری به علت محدودیت در اطلاعات نیز تعریف می‌شود، عقلانیت را محدود می‌سازد و باعث تضعیف برنامه‌ریزی و ارزیابی مؤثر می‌شود (Ofek, 2017).

معضل دیگر، ارزیابی پروژه‌های شهری، مربوط به ساختار و فرایند ارزیابی است. نیاز محسوس برای پاسخ‌گویی به پیچیدگی در حال رشد موضوعات ارزیابی، زمینه‌ها و مسائل مربوطه، چالش‌های جدیدی را پیش روی ارزیاب‌های برنامه‌ریزی قرار می‌دهد. به طور خاص، تأمل در مورد چگونگی شکل‌گیری ارزیابی‌ها؛ به این معنا که از چه روش‌هایی و در چه نوع چارچوب یکپارچه‌ای استفاده کنیم و چگونگی مدیریت فرایند ارزیابی برای اتخاذ تصمیمات مؤثر که منجر به اجماع لازم برای اجرای آن‌ها بشود، مشکلات چندجانبه و متعددی را ایجاد می‌کند. پرداختن به مسائل مربوط به طراحی سازمانی در ارزیابی برنامه‌ریزی، بر مبنای سرمایه‌گذاری، کمتر در پیشرفت تئوری و نوآوری روش‌شناختی و توجه بیشتر به توسعه، آزمایش و به‌کارگیری فرایندهای ارزیابی یکپارچه در حوزه‌های سازمانی را پیشنهاد کرده است. بر این اساس، معضل اصلی، ساخت چارچوب‌های ارزیابی است که به پیچیدگی، واکنش نشان دهند، در رابطه با ارتباطات، شفاف‌سازی لازم را داشته باشند و تعامل مؤثر را امکان‌پذیر کنند (Alexander, 2006).

۴- روش تحقیق

در این پژوهش، ابتدا بررسی متون نظری در خصوص اهمیت برنامه‌ریزی ارزیابی در طرح‌های توسعه شهری، به روش توصیفی- تحلیلی انجام شد و سپس برای تعریف چارچوب ارزیابی در پژوهش و تعیین معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی، از کنکاش در نظریه‌های اندیشمندان این حوزه، با روش تحلیلی- تطبیقی، مهم‌ترین معیارها و زیرمعیارها تعیین گردید و برای انطباق با شرایط زمینه‌ای ایران، از مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و متولیان برنامه‌ریزی استفاده شد. افراد منتخب، از مدیران شهری، مهندسان مشاور، اساتید دانشگاه و نمایندگان شورای اسلامی شهر تهران هستند که در رابطه با برنامه‌های جامع توسعه شهری، باتجربه و صاحب‌نظر می‌باشند. روش انتخاب این کارشناسان، براساس نمونه‌گیری هدفمند بود و ۲۴ نفر از خبرگان برای انجام مصاحبه، انتخاب شدند. نتایج حاصل از مصاحبه، در تدقیق، تکمیل و بومی‌سازی معیارها و شاخص‌های مورد نظر، به‌کار گرفته شدند. داده‌های به دست آمده از نظرات ۲۴ کارشناس مشارکت‌کننده، جمع‌آوری و تحلیل شدند و پس از احصای معیارها و زیرمعیارهای مناسب برای ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته ۵۰ سؤالی در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تدوین شد و در اختیار ۱۰۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه به صورت نمونه در دسترس قرار گرفت. مورد پژوهش، سه برنامه جامع توسعه شهری تهران است که از سال

[Downloaded from ieuam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/ieuam.6.23.1]

۱۳۴۷ تاکنون، ابزار هدایت توسعه شهر تهران بوده‌اند.

رویکرد منتخب ارزیابی در تحقیق حاضر، رویکرد سودمندگراست؛ زیرا هم بر فرایند انجام برنامه تمرکز کرده و برنامه را به عنوان یک خط‌مشی برای تصمیمات برنامه‌ریزی آینده مدنظر قرار می‌دهد و هم به ماهیت برنامه می‌پردازد. در این تحقیق ارزیابی می‌شود که آیا برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران، واجد ارزش منطقی هستند؟ به عبارت دیگر، آیا در فرایندهای تصمیم‌گیری، درست حاصل شده‌اند یا مبنای تصمیمات آتی قرار گرفته‌اند؟ اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌رو در ارزیابی برنامه‌ها چیست؟ در این راستا، جدول ۲، مضامین پایه در ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران را معرفی کرده است.

جدول ۲- مضامین پایه در ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران

روش ارزیابی	رویکرد	مبنای ارزیابی
فرایندگرا (برنامه-فرایند-نتایج)	سودمندگرا (متمرکز بر ماهیت و فرایند)	آیا با توجه به چالش‌های ارزیابی، برنامه‌ها از ارزش منطقی برخوردارند؟

در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه با توجه به مقیاس پیوسته و فاصله‌ای داده‌ها و همچنین پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنف، از آزمون t تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

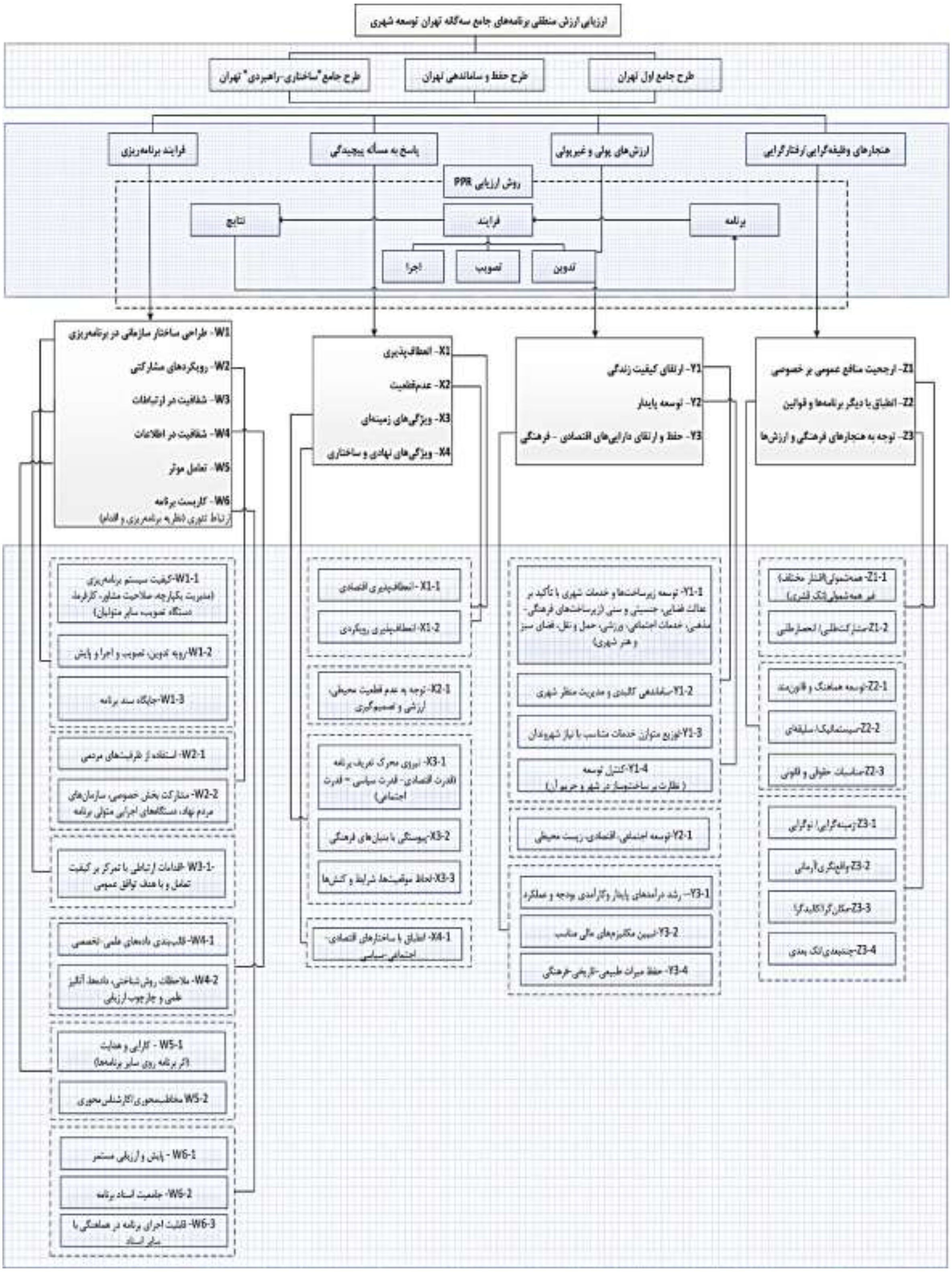
۵- یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش «معیارها و زیرمعیارهای مناسب برای ارزیابی برنامه‌های سه‌گانه جامع توسعه شهری تهران کدام هستند؟» ابتدا با مرور نظریات اندیشمندان مختلفی نظیر: الکساندر[1] (۲۰۰۶)، برک[2] و همکارانش (۲۰۰۶)، الیورا و پینهو[3] (۲۰۱۰)، خاکی[4] (۲۰۰۳)، باربنت[5] و خاکی (۲۰۰۵) و با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی، معیارهای واجد تأکید بیشتر تعیین گردید و زیرمعیارهای منطبق بر آن، طبقه‌بندی شدند. سپس به منظور بومی‌سازی زیرمعیارها با توجه به شرایط ایران، نظریات خبرگانی که در فرایند مذکور در ایران تأثیرگذارند، مطالعه شدند. در این راستا مصاحبه‌های عمیق حضوری با ۲۴ صاحب‌نظر (مدیران شهری، مدیران عامل مهندسین مشاور، استادان دانشگاه و نمایندگان شورای اسلامی شهر) صورت گرفت. در نهایت با جمع‌بندی موارد بیان شده، چارچوب ارزیابی پژوهش، مطابق نمودار ۱ تعریف گردید. ویژگی اصلی این چارچوب آن است که معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی را در انطباق با هر یک از زمینه‌های اصلی چالش در ارزیابی، طبقه‌بندی نموده و از رویکرد ارزیابی سودمندگرا بهره گرفته شده است.

1- Alexander
2- Berke
3- Oliveira and Pinho
4- Khahee
5- Barbanente

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

نمودار ۱- چارچوب معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران



با توجه به نتایج تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته (نمودار ۱)، ۱۶ معیار اصلی و ۳۷ زیرمعیار برای ارزیابی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران احصا شده که مبنای تدوین پرسشنامه ۵۰ سؤالی قرار گرفته است.

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش «ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران بر

[Downloaded from ieam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/ieam.6.23.1]

اساس معیارها و زیرمعیارها چگونه می‌باشد؟» از آزمون t تک‌گروهی استفاده شده است. برای این منظور، این ارزیابی، در چهار حوزه هنجارهای وظیفه‌گرایی و رفتارگرایی، ارزش‌های پولی و غیرپولی، پاسخ به مسئله پیچیدگی و فرایند برنامه‌ریزی صورت گرفته است. با توجه به میزان t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha=$ ۰/۰۱ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی وجود دارد. بنابراین با توجه به اینکه میانگین تجربی، پایین‌تر از میانگین نظری می‌باشد، بیان می‌شود که از دیدگاه خبرگان برنامه‌های توسعه شهری، میزان تحقق معیارهای موردنظر پژوهش در هر سه برنامه جامع توسعه شهری تهران، پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است (جداول ۳ تا ۶).

جدول ۳- ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران در حوزه هنجارهای وظیفه‌گرایی و رفتارگرایی از دید خبرگان

معیار	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
ارجحیت منافع عمومی بر خصوصی	۲/۳۵	۰/۴۷۸	۹۹	-۱۲/۶۸۵	۰/۰۰۰
انطباق با دیگر برنامه‌ها و قوانین	۲/۶۳	۰/۳۰۴		-۸/۷۸۵	۰/۰۰۰
توجه به هنجارهای فرهنگی و ارزش‌ها	۲/۷۵	۰/۳۷۸		-۷/۶۲۵	۰/۰۰۰
کل	۲/۵۰	۰/۰۹۱		-۵۴/۶۷۳	۰/۰۰۰

جدول ۴- ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران در حوزه ارزش‌های پولی و غیرپولی از دید خبرگان

معیار	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
ارتقای کیفیت زندگی	۲/۳۸	۰/۴۸۸	۹۹	-۱۲/۷۰۹	۰/۰۰۰
توسعه پایدار	۲/۵۶	۰/۴۹۸		-۸/۸۲۰	۰/۰۰۰
حفظ و ارتقای دارایی‌های اقتصادی- فرهنگی	۲/۸۵	۰/۳۶۱		-۴/۰۶۸	۰/۰۰۰
کل	۲/۶۵	۰/۰۹۲		-۴۳/۸۷۴	۰/۰۰۰

جدول ۵- ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران در حوزه پاسخ به مسئله پیچیدگی از دید خبرگان

معیار	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
انعطاف‌پذیری	۲/۱۲	۰/۳۲۶	۹۹	-۲۶/۹۴۴	۰/۰۰۰
عدم‌قطعیت	۲/۰۳	۰/۱۷۱		-۵۶/۵۷۷	۰/۰۰۰
ویژگی‌های زمینه‌ای	۲/۴۵	۰/۵۵۷		-۹/۸۶۹	۰/۰۰۰
ویژگی‌های نهادی و ساختاری	۲/۳۷	۰/۵۴۴		-۱۱/۵۷۸	۰/۰۰۰
کل	۲/۳۰	۰/۱۲۶		-۴۶/۷۹۹	۰/۰۰۰

جدول ۶- ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران در حوزه فرایند برنامه‌ریزی از دید خبرگان

معیار	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
طراحی ساختار سازمانی در برنامه‌ریزی	۲/۴۹	۰/۵۰۲	۹۹	-۱۰/۱۵۱	۰/۰۰۰
رویکردهای مشارکتی	۲/۰۷	۰/۴۰۸		-۲۲/۷۷۳	۰/۰۰۰
شفافیت در ارتباطات	۲/۴۳	۰/۴۹۷		-۱۱/۴۵۶	۰/۰۰۰
شفافیت در اطلاعات	۲/۱۰	۰/۳۶۲		-۲۴/۸۳۶	۰/۰۰۰
تعامل مؤثر	۲/۴۱	۰/۴۹۴		-۱۱/۹۳۶	۰/۰۰۰
کاربست برنامه	۲/۰۳	۰/۱۷۱		-۵۶/۵۷۷	۰/۰۰۰
کل	۲/۴۳	۰/۱۱۵		-۴۰/۹۲۸	۰/۰۰۰

برای اولویت‌بندی زمینه‌های اصلی چالش در ارزیابی برنامه‌های جامع توسعه شهری؛ یعنی تعیین حوزه‌هایی که بیش‌ترین چالش را در ارزیابی از دیدگاه خبرگان داشتند، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

استفاده شد. با توجه به میزان F به‌دست آمده، می‌توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح P<۰/۰۱ در خصوص حوزه‌های ارزیابی وجود دارد. در این راستا، نتایج آزمون، حاکی از این هستند که اصلی‌ترین چالش در ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری تهران، پاسخ به مسئله پیچیدگی می‌باشد (جدول ۷).

جدول ۷- اولویت‌بندی حوزه‌های چالشی در برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران از دید خبرگان

حوزه‌های ارزیابی برنامه‌های جامع سه‌گانه توسعه شهری تهران	رتبه میانگین	F	Sig
پاسخ به مسئله پیچیدگی	۲/۳۰(۱)	۲۶/۸۸۱	۰/۰۰۰
فرایند برنامه‌ریزی	۲/۴۳(۲)		
هنجارهای وظیفه‌گرایی و رفتارگرایی	۲/۵۰(۳)		
ارزش‌های پولی و غیرپولی	۲/۶۵(۴)		

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج حاصل از ارزیابی، مبین آن هستند که برنامه‌های جامع سه‌گانه تهران، بر اساس معیارها و زیرمعیارهای تدقیق شده در پژوهش، از حیث میزان تحقق و کاربست، در وضعیت پایین‌تری از حد متوسط هستند. به عبارتی، ارزیابی دامنه گسترده و متنوع معیارها و زیرمعیارها، مشخص نمود وضعیت برنامه‌های موصوف، به عنوان مبنای تصمیم‌های آتی و نیز محصول فرایندهای صحیح تصمیم‌گیری مطلوب نمی‌باشند. در واقع از مشکلات پیش روی برنامه‌ریزان شهری، عدم‌تحقق مطلوب طرح‌های جامع شهری و دست‌یافتن به اهداف مشخص شده در آن می‌باشد. طرح‌های جامع شهری که با هزینه‌های قابل‌توجهی تهیه می‌شوند، با مسائل صورت‌گرفته در عمل و عدم‌ارزیابی‌های مناسب در زمان مقتضی، موجبات آشفتگی کالبدی، اقتصادی و غیره را فراهم آورده‌اند.

نتایج پژوهش نشان دادند که پاسخ به مسئله پیچیدگی، اصلی‌ترین مسئله و مهم‌ترین چالش در ارزیابی می‌باشد.

برای بهره‌برداری حداکثری از فرایندهای ارزیابی باید مکانیزم ارزیابی به عنوان بخشی از سند برنامه‌ریزی باشد و لازم است از ابتدای فرایند تعریف برنامه توسعه شهر، برای ارزیابی آنها برنامه‌ریزی شود.

در این راستا طراحی ساختار سازمانی در برنامه‌ریزی ارزیابی، اتخاذ رویکردهای تعاملی و مشارکتی (بین ذی‌نفعان و حتی بین تیم ارزیاب و متولیان برنامه‌ریزی)، انطباق تئوری برنامه‌ریزی با روش ارزیابی، انعطاف‌پذیری در برنامه و روش ارزیابی، شفافیت در اطلاعات و ارتباطات می‌تواند چالش‌های ارزیابی را کاهش دهد. بدیهی است استفاده از دانش ارزیابی، در عمل بسیار پیچیده و دشوار می‌باشد و به‌نوعی جامع‌نگری، نسبیت‌گرایی و نگرش میان‌رشته‌ای، نیاز دارد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «واکاوی برنامه‌های توسعه شهری تهران با رویکرد تعیین الزامات برنامه پایتخت» است که با راهنمایی دکتر مصطفی بهزادفر در دانشگاه علم و صنعت ایران در دست انجام است.

۷- منابع

شریعت، سید محمود؛ منوری، سید مسعود. (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر ارزیابی زیست‌محیطی*. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.

غمامی، مجید. (۱۳۷۱). بررسی و نقد اجمالی طرح‌های جامع شهری. *نشریه آبادی، ۲* (۷)، ۳۱-۲۴.

فریور صدری، بهرام. (۱۳۹۳). *تحولات طرح‌ریزی شهری ایران در دوران معاصر*. تهران: انتشارات آذرخش.

ماجدی، حمید. (۱۳۹۵). *نظریه طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

[Downloaded from ieuam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/ieuam.6.23.1]

منصوری، امیر. (۱۳۹۵). *نقد و بررسی طرح جامع تهران، ۸۶*. تهران: پژوهشکده نظر.

هادی زنوز، بهروز. (۱۳۹۵). ارزیابی تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تهران. *مجله هفت شهر*، شماره‌های ۵۴-۵۳، ۳۴-۸.

Alexander, E. R. (2006). Evolution and status. Where is planning evaluation today and how did it get here. *Evaluation in planning: Evolution and prospects*, 3-16.

Alexander, E. R. (2006). Problems and prospects: dilemmas in evaluation and directions for the future. *Evaluation in planning: Evolution and prospects*, 267-76.

Alexander, E. R. (2016). *Evaluation in planning: evolution and prospects*. Routledge.

Alexander, E. R., & Faludi, A. (1989). Planning and plan implementation: notes on evaluation criteria. *Environment and Planning B: Planning and Design*, *16*(2), 127-140.

Baer, W. C. (1997). General plan evaluation criteria: An approach to making better plans. *Journal of the American Planning Association*, *63*(3), 329-344.

Barbanente, A., & Khakee, A. (2005). Scenarios as an exploratory evaluation approach. Some experiences from southern mediterranean. *Beyond benefit cost analysis. Accounting for non-market values in planning evaluation*, 225-247.

Berke, P., Backhurst, M., Day, M., Ericksen, N., Laurian, L., Crawford, J., & Dixon, J. (2006). What makes plan implementation successful? An evaluation of local plans and implementation practices in New Zealand. *Environment and Planning B: Planning and Design*, *33*(4), 581-600.

Faludi, A., & Voogd, H. (1985). Evaluation of complex policy problems.

Khakee, A. (1998). Evaluation and planning: inseparable concepts. *Town Planning Review*, *69*(4), 359.

Khakee, A. (2003). The emerging gap between evaluation research and practice. *Evaluation*, *9*(3), 340-352.

Knieling, J., & Othengrafen, F. (2015). Planning Culture—A Concept to Explain the Evolution of Planning Policies and Processes in Europe?. *European Planning Studies*, *23*(11), 2133-2147.

Lichfield, N., Kettle, P., & Whitbread, M. (2016). *Evaluation in the Planning Process: The Urban and Regional Planning Series*(Vol. 10). Elsevier.

Manaugh, K., Badami, M. G., & El-Geneidy, A. M. (2015). Integrating social equity into urban transportation planning: A critical evaluation of equity objectives and measures in transportation plans in North America. *Transport policy*, *37*, 167-176.

Mathur, H. M. (2011). Social impact assessment: a tool for planning better resettlement. *Social Change*, *41*(1), 97-120.

Moroni, S. (2006). Planning, Evaluation and the Public Interest, Ur Alexander, ER (2006) Evaluation in Planning: Evolution and Prospects, Brookfield, VT.

Nijkamp, P., Rietveld, P., & Voogd, H. (2013). *Multicriteria evaluation in physical planning* (Vol. 185). Elsevier.

Norton, R. K. (2005). More and better local planning: State-mandated local planning in coastal North Carolina. *Journal of the American Planning Association*, *71*(1), 55-71.

Ofek, Y. (2017). Evaluating social exclusion interventions in university-community partnerships. *Evaluation and program planning*, *60*, 46-55.

Oliveira, V., & Pinho, P. (2010). Evaluation in urban planning: Advances and prospects. *Journal of Planning Literature*, *24*(4), 343-361.

Oliveira, V., & Pinho, P. (2010). Measuring

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]

ارزیابی ارزش منطقی برنامه‌های جامع توسعه شهری تهران/ علیرضا جاوید، مصطفی بهزادفر ـــ
Oliveira, V., & Pinho, P. (2011). Bridging the gap between planning evaluation and programme evaluation: The contribution of the PPR methodology. *Evaluation*, *17*(3), 293-307.

Othengrafen, F. (2014). The concept of planning culture: Analysing how planners construct practical judgements in a culturised context. *International Journal of E-Planning Research (IJEPR)*, *3*(2), 1-17.

Othengrafen, F. (2016). *Uncovering the unconscious dimensions of planning: using culture as a tool to analyse spatial planning practices*. Routledge.

Rinaldi, E., Paneghetti, C., Hedorfer, M., De Polignol, E., Cossettini, P., & Patassini, D. (2017). Contextual Knowledge Generated by a Decision Support System for Brownfield Development—The Case of Porto Marghera (Venice, Italy). In *Beyond Benefit Cost Analysis* (pp. 89-114). Routledge.

Rossi, P. H., Lipsey, M. W., & Freeman, H. E. (2003). *Evaluation: A systematic approach*. Sage publications.

Rossi, P. H., Schuerman, J., & Budde, S. (1999). Understanding decisions about child maltreatment. *Evaluation Review*, *23*(6), 579-598.

Saalman, H. (1971). Haussmann: Paris Transformed (New York: George Braziller).

Sakieh, Y., Amiri, B. J., Danekar, A., Feghhi, J., & Dezhkam, S. (2015). Scenario-based evaluation of urban development sustainability: an integrative modeling approach to compromise between urbanization suitability index and landscape pattern. *Environment, Development and Sustainability*, *17*(6), 1343-1365.

Spilková, J., & Vágner, J. (2016). The loss of land devoted to allotment gardening: The context of the contrasting pressures of urban planning, public and private interests in Prague, Czechia. *Land Use Policy*, *52*, 232-239.

Voogd, H. (2017). Evaluation of visitability of public urban places. In *Beyond Benefit Cost Analysis*. Routledge.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.1.6]
[DOI: 10.29252/iueam.6.23.1]